

راهی برای گریز
و انکار نیست.
سیاست تعاملی یک
اشتباه راهبردی
بسیار بزرگ بود.
همان طور که کرت
کمپبل والی رتنر،
دو مقام در دولت
اوباما که به شکست
سیاست تعامل
معترف بودند، حالا
که در دولت بایدن
خدمت می‌کنند،
اذعان می‌کنند که
«واشنگتن اکنون
در برابر پویاترین و
قوی‌ترین رقیبش
در تاریخ معاصر قرار
گرفته است».



کرد و لازمه آن، این است که واشنگتن نیروهای متعارف قدرتمندی را در شرق آسیا حفظ کند تا چین را متقاعد کند که جنگ نظامی در بهترین حالت به پیروزی پرهزینه‌تر از شکست منتج خواهد شد. متقاعد کردن رقبای اینک نمی‌توانند به پیروزی‌های سریع و قاطع دست پیدا کنند عاملی بازدارنده است. به علاوه، سیاست‌گذاران آمریکا باید مدام به خودشان و رهبران چین یادآوری کنند که در وضعیت جنگی، احتمال همیشگی درگیری هسته‌ای وجود دارد. تسلیحات هسته‌ای هرچه باشند بازدارنده نهایی به شمار می‌روند. واشنگتن همچنین می‌تواند به منظور تدوین قوانینی شفاف برای ادامه مسیر این رقابت امنیتی بکوشد؛ برای مثال، برای جلوگیری از برخورد در دریاها یا سایر برخوردهای نظامی تصادفی به توافقاتی برسد. اگر هر یک از طرفین درک کند که عبور از خطوط قرمز چه معنایی دارد، احتمال وقوع جنگ کاهش خواهد یافت.

این اقدامات فقط می‌توانند خطرات نهفته در رقابت فزاینده آمریکا و چین را به حداقل برسانند و این قیمتی است که ایالات متحده مجبور است برای نادیده گرفتن سیاست واقع‌گرایانه و تبدیل کردن چین به یک کشور قدرتمند، که مصمم است در همه جبهه‌ها آمریکا را به چالش بکشد، پرداخت کند. ▶

پی‌نوشت

۱. این مقاله، ترجمه‌ای است از مقاله «The Inevitable Rivalry» (John J. Mearsheimer) در دسامبر ۲۰۲۱ در مجله Foreign Affairs منتشر شده است.

۲. مرکز تحقیقات پیو (Pew Research Center) اندیشکده‌ای آمریکایی است که به ارائه اطلاعات درباره نگرش‌ها و روندهای اجتماعی در ایالات متحده و جهان می‌پردازد.